



بررسی ژئوپلیتیکی بر درگیری‌های نظامی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و سیاست استکبار ستیزی ملت ایران با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کیومرث یزدان پناه درو، مهران کرمی^۲

۲

دوره ۱، شماره ۲، پیاپی ۲

پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۲۰

صص: ۱۰۶-۷۷

شابا چاپ:



چکیده
گام دوم انقلاب انقلاب اسلامی بیانیه‌ای است که توسط رهبر معظم انقلاب به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد که در آن به استکبار ستیزی ملت ایران اشاره شده است. در این میان می‌توان بیان نمود که این روابط عمیق میان ایران و آمریکا با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با رهبری امام خمینی^(ره) به‌طور کامل برگشت و این دو کشور تبدیل به دشمنان یکدیگر شدند. این دشمنی با تسخیر سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان پیرو خط بسیار شدت یافت. با شروع جنگ تحمیلی و حمله رژیم بعث عراق به خاک ایران در شهریور ۱۳۵۹، منطقه خاورمیانه دچار آشوب و تلاطم شد تا جایی که آمریکا به جهت تأمین امنیت مسیر انرژی جهان و کشورهای هم‌پیمان خود، بخش عظیمی از ناوگان نظامی شامل ناوهای هواپیمابر و ناوهای رزمی خود را به منطقه و خلیج فارس وارد نمود که نتیجه آن هدف قرار دادن هواپیمای ایرباس مسافربری ایران بود که تمامی مسافری و خدمه آن شهید شدند. در این میان همواره روحیه استکبار ستیزی و مقابله با زورگویی‌های آمریکا و شرکای آن در میان مردم ایران تقویت یافته است.
کلیدواژه‌ها: ایران، آمریکا، ژئوپلیتیک، بیانیه گام دوم انقلاب، استکبارستیزی.

DOI:

استناد: یزدان پناه درو، کیومرث؛ کرمی، مهران (۱۴۰۴). بررسی ژئوپلیتیکی بر درگیری‌های نظامی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و سیاست استکبار ستیزی ملت ایران با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، (۲۱)، ۱۰۶-۷۷.

۱. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران ایران (نویسنده مسئول)

kyzdanpanah@ut.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

دخالت آمریکا در سیاست داخلی ایران از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده بود، که به عنوان مثال می‌توان به کودتای آمریکایی بریتانیایی در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که با مشارکت اشرار شهر و نظامیان وابسته به شاه سقوط دولت دکتر مصدق را رقم زد، اشاره داشت. بعدها در سال ۱۳۵۷ نیز شبه‌کودتایی از سوی آمریکا در شرف وقوع بود به این صورت که ژنرال رابرت هایزر با دستور جیمی کارتر رییس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا جهت انجام کودتای نظامی با مشارکت امرای ارتش رژیم شاه و با هدف برگرداندن شاه به کشور، به ایران آمده بود و در سفارت آمریکا مستقر شد اما این عملیات در همان روزهای ابتدایی ورود ژنرال هایزر به شکست انجامید. بعد از پیروزی انقلاب از اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و با روی کار آمدن دولت موقت مهدی بازرگان، آمریکا بسیاری از خریدهای شاه از جمله تسلیحات و ادوات مدرن نظامی را لغو کرد، هرچند دولت جدید بازرگان سعی در برقراری روابط دو ستانه و دیپلماتیک با آمریکا می‌نمود و در آن طرف میز هم آمریکا علاقه‌مندی و چراغ سبز خود را به انجام مناسبات دیپلماتیک با دولت جدید انقلابی نشان می‌داد ولی این علاقه‌مندی از سمت دو کشور در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با تسخیر و به گروگان گرفتن دیپلمات‌ها و کارمندان سفارت آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام به دشمنی و خصومت انجامید. دانشجویان بر این نظر بودند که این مکان دیپلماتیک به محلی در جهت جاسوسی از کشور، شهروندان و دولتمردان تبدیل شده و باید تعطیل شود، که این اقدام با استعفای دولت موقت بازرگان همراه بود. بعد از این گروگان‌گیری، رییس‌جمهور آمریکا طرحی محرمانه را با همراهی فرماندهی ستکام آماده نمود که بر اساس آن گروهی از تفنگداران ویژه نیروی زمینی آمریکا موسوم به (دلتا) مستقر در خلیج فارس و مصر با هواپیما و بالگرد خود را به خاک ایران در منطقه طبس رسانده و بعد از آن راهی تهران شده و با عوامل نفوذی که از قبل مستقر کرده بودند، وارد سفارت شوند و گروگان‌ها را نجات دهند اما این عملیات با وقوع طوفان شن و برخورد هواپیما با بالگرد به شکست انجامید و نیروهای آمریکایی بدون کسب پیروزی بازگشتند.

با شروع جنگ تحمیلی و حمله رژیم بعث عراق به خاک ایران در شهریور سال ۱۳۵۹ موج جدیدی از تقابل میان آمریکا با ایران آغاز شد ولی این بار به صورت پشت پرده و با افشای اطلاعات نظامی از قبیل رمز رادارها، ریختن پاد اخلاگری بر روی رادارهای مرزی و شهری ایرانی

به منظور ردیابی نشدن هواپیماهای عراقی، فرستادن اطلاعات پیش از حمله ایران به نیروهای عراقی به وسیله هواپیماهای هشدار زودهنگام (آواکس‌ها) که بر روی منطقه به پرواز درآمده بودند و همچنین کمک‌های محدود تسلیحاتی به دولت بعث عراق کمک می‌کرد. هرچند که حکومت وقت عراق، بعثی و طرفدار بلوک شرق کمونیستی بود و متحد استراتژیک اتحاد جماهیر شوروی سو سیالیستی نیز به شمار می‌رفت و بخش بزرگی از تسلیحات و ادوات نظامی‌اش مانند: تانک، هواپیما و موشک‌ها کاملاً شرقی بود، ولی با این تفاصیل آمریکا اینگونه وانمود می‌کرد که هرچند عراق هم‌پیمان رقیب آمریکا یعنی اتحاد جماهیر شوروی است ولی هر دو کشور دشمنی مشترک به نام جمهوری اسلامی ایران دارند که باید با همکاری هم آن را تضعیف و تا جای ممکن نابود کنند. این تقابل بین آمریکا و ایران در حوزه منابع نفتی و انرژی هم بود به نحوی که وقتی عراق دریا را برای صادرات نفت ایران به سایر کشورهای جهان به وسیله نفتکش‌ها ناامن کرده بود و هواپیماهای جنگی آن با زیر پا گذاشتن قوانین بین‌المللی آب‌های آزاد کشتی‌های ایران را بمباران می‌کرد هنگامی که جنگنده‌های ایرانی به منظور اسکورت آن‌ها پرواز می‌کردند از سمت ناوهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس تهدید می‌شدند که حق اسکورت کشتی‌های خود را ندارند و در صورت امتناع، جنگنده ایرانی موشک‌های خود را بر روی هواپیما قفل می‌کردند تا مجبور به بازگشت به پایگاه شود. ولی این سختگیری به جنگنده‌های عراقی اعمال نمی‌شد به صورتی که به راحتی ماریت خود را انجام داده و باز می‌گشتند. حتی ناو آمریکایی خلبان جنگنده عراقی را که به وسیله هواپیماهای ایران سرنگون شده بود، نجات داده و با بالگرد به کویت منتقل کردند تا از آن جا به کشورش برود. علاوه بر این‌ها، باز هم دشمنی آمریکا با ایران وجود دارد؛ که در این میان می‌شود یکی از دلایلی را که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای ایران الزامی کرد، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط رهبر معظم انقلاب مطرح شد به صورت جامع به دست آورده‌ای انقلاب اسلامی به ویژه بحث استکبار ستیزی و ایستادگی ملت ایران در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی توسط ملت ایران اشاره شده است که همین موضوع باعث اقتدار مثال زدنی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان شده است.

روش پژوهش

پژوهش فوق تحقیقی از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش نیز، توصیفی — تحلیلی است. جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مبتنی بر اصول نظری اکتشافی به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است. اطلاعات با مراجعه به کتب، مقالات، نشریات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های معتبر علمی مرتبط، یادداشت‌برداری، دسته‌بندی و به صورت هدفمند استفاده شدند. در بخش‌های مختلف پژوهش حاضر از نتایج تحقیقات دیگر نیز بهره گرفته شده است. لذا تجزیه و تحلیل این پژوهش به صورت کیفی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

درباره این پژوهش، با موضوعیت درگیری و منازعات میان آمریکا و ایران همچنین دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از طرف ایران، آثاری در قالب مقاله و کتاب به نگارش در آمده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۱: پیشینه پژوهش با موضوعیت نبرد و جنگ‌های میان ایران و آمریکا

ردیف	عنوان اثر	نویسنده / نویسندگان	سال نشر	موضوع اثر
۱	تاریخ روابط ایران و آمریکا	جان قزوینیان	۱۴۰۱	ایران و ایالات متحده حدود چهل سال است که به شکل رسمی و مستقیم رابطه‌ای نداشته‌اند. همین مسئله باعث شده تا مردم دو کشور شناخت دقیق و عمیقی نسبت به یکدیگر نداشته باشند و امکان مفاهمه وجود نداشته باشد. از آنجا که روابط کنونی تیره و تار است و همواره احتمال درگیری مستقیم نظامی وجود داشته، نویسنده تحقیق به دنبال آن بوده که ریشه این مسائل را در گذشته دو کشور پی بگیرد و با بررسی وقایع تاریخی علت شکل‌گیری روابط خصمانه امروز را دریابد. نکته حائز اهمیت بازگشت نویسنده به قرن نوزده میلادی و

				سال‌های تأسیس ایالات متحده به عنوان یک دولت مستقل است که مؤسسان قانون اساسی آن به تمدن ایران و قوانین باستانی این سرزمین نظر داشته‌اند. نویسنده که به منابع تاریخی هر دو کشور دسترسی داشته تلاش کرده به شکل بی‌طرفانه اتفاقات این صد و اندی سال را مرور کند.
۲	ایران و آمریکا در چهل سال (۱۳۵۷-۱۳۹۷): مقایسه دو نظریه مقاومت و تنش‌زدا یی در سیاست خارجی	سهراب صلاحی	۱۳۹۹	این پژوهش به کارکرد دفاعی و داکترین مقاومت می‌پردازد و به دوران چهل ساله انقلاب اسلامی و روابط میان ایران و آمریکا اشاره دارد.
۳	جنگ تحمیلی از شروع تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸	جمع نویسندگان	۱۳۹۹	این پژوهش به عوامل شروع جنگ تحمیلی از سمت عراق و چرایی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از طرف ایران می‌پردازد.
۴	علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸	شیدر کابیان و سمانه طهماسبی	۱۳۹۷	این اثر درمورد جنگ تحمیلی و قطعنامه‌هایی که از طرف سازمان ملل برای توقف جنگ صادر شد و همچنین دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران صحبت می‌کند.
۵	روابط ایران و آمریکا	گوهر اسکندریان	۱۳۹۷	اثر معرفی شده با بهره از خاطرات شخصی و آثار دولتمردان و شخصیت‌های برجسته ایران و آمریکا به بررسی روابط میان این دو کشور از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۶۰ جهت پی بردن به چرایی رقابت، جنگ و تنش میان آن‌ها در زمان گذشته و حال، می‌پردازد.
۶	بررسی نقش آمریکا در شروع، تداوم جنگ عراق علیه ایران	محمد بیگلری و عبدالله عراقی	۱۳۹۳	وقوع انقلاب اسلامی ایران، سیستم موازنه قوای منطقه‌ای در خلیج فارس را به هم ریخت و منافع آمریکا در منطقه به خطر افتاد. به همین دلیل، این کشور از راه‌های مختلف درصدد تحدید و تضعیف جمهوری اسلامی ایران برآمد. در نتیجه، خط‌مشی

<p>جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به عنوان راهبرد مهم ایالات متحده آمریکا برای تضعیف و شکست انقلاب اسلامی ایران به کار گرفته شد.</p>			<p>و راه‌های اجتناب از غافلگیری</p>	
<p>از نظر این پژوهش، جنگ ایران و عراق، حادثه تاریخی، بزرگ و سرنوشت‌ساز بود که به تعبیر حضرت امام^(ع) ثمرات ارزشمندی از جمله استحکام ریشه‌دهی انقلاب اسلامی و صدور آن به جهان را در پی داشت. بر همین اساس هشت سال دفاع مقدس ملت ایران نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ اسلام نیز موضوع مهمی به شمار می‌رود. این جنگ که در نهایت به ذلت رژیم‌های فاسد و استعمارگر و فروافتادن پرده از چهره تزویرشان انجامید، در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ تجاوز رژیم عراق به مرزهای جمهوری اسلامی شروع شد و در روز ۲۹ مردادماه سال ۱۳۶۷ پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران به پایان رسید.</p>	<p>۱۳۹۲</p>	<p>کامران غضنفری</p>	<p>راز قطعنامه - چرایی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی</p>	<p>۷</p>
<p>مجموعه روزشمار جنگ ایران و عراق در طول شش سال تحقیق و مطالعه پژوهشگران در این اثر منتشر شده است. این مجموعه دربرگیرنده مهم‌ترین وقایع و اقدامات سیاسی و نظامی و گزیده‌ای از وقایع مهم اقتصادی و اجتماعی در دوران هشت سال دفاع مقدس است و چرایی پذیرش قطعنامه از سوی ایران.</p>	<p>۱۳۸۷</p>	<p>علی‌رضا لطف‌الله زادگان</p>	<p>تصویب قطعنامه ۵۹۸</p>	<p>۸</p>
<p>ایالات متحده آمریکا در جدال‌های منطقه‌ای نقش تسریع‌کننده را دارد و در جنگ تحمیلی، رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا توانایی‌های نظامی ایران را محدود سازد. با توجه به اینکه نقش و کارکرد آمریکا در روند جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران فاقد مؤلفه‌های انفعالی و دفاعی بوده است، می‌توان</p>	<p>۱۳۷۹</p>	<p>ابراهیم متقی</p>	<p>استراتژی موازنه منطقه‌ای در جنگ ایران و عراق</p>	<p>۹</p>

به این جمع‌بندی رسید که رفتار سیاسی آن کشور بر اساس مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک تنظیم شده و در این چهارچوب، شرایط و بازتاب‌های محیط منطقه‌ای خلیج فارس در شکل‌گیری و تداوم جنگ نقش مؤثری داشته است.				
پژوهشگران تلاش کردند از طریق مصاحبه شفاهی به ریشه‌یابی مشکلات و اختلافات عمیق میان ایران و ایالات متحده آمریکا بپردازند. از نظر مصاحبه‌شوندگان این کتاب، یکی از دلایل اصلی دشمنی ایران و آمریکا، کمک‌های نظامی و امنیتی بود که این کشور در جریان جنگ هشت ساله، به عراق می‌نمود.	۲۰۱۳	جیمز بلایت و همکاران	دشمن شدن: روابط ایران و آمریکا و جنگ ایران و عراق؛ ۱۹۷۹-۱۹۸۸	۱۰
کتاب حاضر برای دانشجویان رشته علوم سیاسی در همه مقاطع به‌عنوان منبع مبنایی تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.	۱۴۰۰	محمدجواد نوروزی	بیادیه گام دوم انقلاب اسلامی	۱۱

گردآوری و ترسیم: (نگارندگان، ۱۴۰۴)

مفهوم شناسی

خلیج فارس

خلیج فارس که با نام شاخاب پارس نیز شناخته می‌شود، نام آبراهی پراهمیت در غرب آسیا و خاورمیانه است، که در راستای دریای عمان و در میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان قرار دارد. مساحت بیان شده برای خلیج فارس ۲۳۷'۴۷۳ کیلومتر مربع را نشان می‌دهد و طول آن به حدود ۹۰۰ کیلومتر و عرضش ۲۵۰ کیلومتر می‌باشد. خلیج فارس بعد از خلیج هاد سون و خلیج آمریکا جزو سومین خلیج بزرگ در جهان شناخته می‌شود. خلیج فارس در شرق به وسیله تنگه راهبردی هرمز و دریای مکران به آب‌های بین‌المللی راه پیدا می‌کند که همین موضوع باعث پراهمیت بودن این منطقه و راهیابی آن به سایر کشورهای جهان از مسیر آبی می‌باشد؛ ژرفای خلیج فارس در عمیق‌ترین نقطه، حدوداً ۹۰ متر است.

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک بر قدرت سیاسی مرتبط با فضای جغرافیایی، به ویژه آب‌های سرزمینی و سرزمین‌های خشکی در ارتباط با تاریخ دیپلماتیک تمرکز دارد. موضوعات ژئوپلیتیک شامل روابط بین منافع بازیگران سیاسی بین‌المللی متمرکز در یک منطقه، یک فضا یا یک عنصر جغرافیایی است، روابطی که یک سیستم ژئوپلیتیکی را ایجاد می‌کند. ژئوپلیتیک انتقادی تئوری‌های ژئوپلیتیک کلاسیک را با نشان دادن کارکردهای سیاسی / ایدئولوژیکی آن‌ها برای قدرت بزرگ جهانی واسازی می‌کند.

تنگه هرمز

تنگه استراتژیک هرمز جزو آب‌راه‌های راهبردی بین‌المللی به منظور کشتیرانی در سطح جهانی به شمار می‌رود، می‌توان اینگونه بیان داشت که بیشتر کشتی‌های تجاری، نفتی و نظامی سایر کشورها برای عبور از این تنگه بایستی از مقابل آب‌های سرزمینی جمهوری اسلامی ایران نیز عبور نمایند که همین امر موجب کنترل و نظارت بیشتر ناوگان دریایی ارتش و سپاه پاسداران بر تردد این کشتی‌ها می‌باشد تا هر گونه اقدام از سمت آنان را با قاطعیت پاسخ دهند، این تنگه به نوعی برگ برنده در دست ایران مقابل قدرت‌های غربی و آمریکا می‌باشد.

ستکام

فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا یا به‌اختصار ستکام فرماندهی یکپارچه رزمی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا است. این سازمان در سال ۱۹۸۳ میلادی با برعهده گرفتن مسئولیت‌های قبلی گروه ضربت مشترک استقرار سریع تأسیس شد و حوزه مسئولیت آن شامل خاورمیانه (مصر در آفریقا)، آسیای مرکزی و بخش‌هایی از جنوب آسیا است. این فرماندهی، حضور اصلی آمریکایی‌ها در بسیاری از عملیات‌های نظامی، از جمله عملیات طوفان صحرا در جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱، جنگ در افغانستان و نیز جنگ عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ بوده است. از سال ۲۰۱۵ نیروهای ستکام، عمدتاً در افغانستان، تحت عملیات نگهبان آزادی، که خود بخشی از مأموریت حمایت قاطع ناتو (از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱) بود و از ۲۰۱۴ در عراق و سوریه، به‌عنوان بخشی از عملیات عزم راسخ، برای پشتیبانی، مشاوره و کمک، مستقر شدند. جنگ ایران و عراق به وضوح تنش‌های رو به رشد در منطقه را برجسته کرد و گسترش عملیاتی مانند استخراج معادن نفتی ایران در خلیج فارس منجر به انجام اولین عملیات جنگی ستکام شد. در تاریخ ۱۷ مه ۱۹۸۷، بیست و سومین

کشتی جنگی یواس اس استارک، عملیاتی را در خلیج فارس در جنگ ایران و عراق هدایت کرد، این کشتی به وسیله موشک‌های اکسوست که توسط یک هواپیمای عراقی شلیک شد، ۳۷ تلفات برجای گذاشت. بلافاصله بعد از آن به دنبال بخشی از آنچه بعداً به عنوان «جنگ کشتی‌های نفتکش» شناخته شد، دولت فدرال ایالات متحده با تعویض پرچم و برافراشتن پرچم کویت بر فراز ۱۱ کشتی نفتکش کویتی در عملیات اراده جدی، این کشتی‌های نفتکش را به نام نیروهای خاورمیانه‌ای سنتکام آمریکا از طریق خلیج فارس به کویت و از طریق تنگه هرمز اسکورت کرد.

شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ برابر با ۸ آوریل ۲۰۱۹ میلادی، در پاسخ به اقدام دولت آمریکا به وارد کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا، سنتکام را جزو گروه‌های تروریستی از نظر ایران اعلام کرد. در پی آن آمریکا به تازگی ناو آبراهام لینکلن را برای کنترل تحرکات ایران به خلیج فارس و دریای عمان فرستاده است، از دیگر اقدامات فرماندهی مرکزی آمریکا سنتکام در منطقه با فرماندهی وقت خود ژنرال مکزی و با دستور شخص دونالد ترامپ در سال ۱۳۹۸ سپهد حاج قاسم سلیمانی و هیأت همراهش را با حمله پهبادی در فرودگاه بغداد ترور و به شهادت رساند.

استراتژی

استراتژی جزو فنون و علم توسعه و استفاده نمودن از سیاست به عنوان اهرمی به منظور کنترل برنامه‌های اقتصادی همچنین نظارت بر اجرای مناسب فرهنگ یک جامعه به منظور فراهم نمودن پشتیبانی از سیاست‌های ملی یک کشور، همچنین رایزنی و کنترل سایر کشورها با استفاده از سیاست سلطه و مستمره سازی آن‌ها. بر اساس نظریه اندیشمندان سیاسی هرگاه قدرت‌های موثر یک کشور مانند اقتصاد، سیاست و قدرت نظامی اش در سطح جهانی باشد آن را در جهت دستیابی به منافع و اهداف کلان و راهبردی ملت و کشورش به کار می‌گیرد، که به آن استراتژی گفته می‌شود.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

گام دوم انقلاب انقلاب اسلامی بیانیه‌ای است که توسط رهبر معظم انقلاب به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد و در آن به «استمرار راه انقلاب ۵۷» صادر شد. در و در آن به استمرار راه انقلاب اسلامی طی دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

چرایی حضور دائمی ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که تنش و دشمنی میان آمریکا و ایران را در پی داشت و در ادامه آن حمله نظامی رژیم بعث عراق به خاک ایران و احتمال کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نسبت به تهدید منابع انرژی از سوی طرفین درگیر و درخواست کشورهای عربی از آمریکا جهت تأمین امنیت برای کشتی‌ها در تنگه هرمز و خلیج فارس به موجب توافقنامه‌های دوجانبه امضاشده میان آمریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، نیروهای آمریکایی به تسهیلات گسترده‌ای شامل ایجاد پایگاه‌های متعدد هوایی، دریایی و زمینی در کشورهای عربی خلیج فارس، رزمایش‌های نظامی مشترک و حق استفاده از حریم هوایی، بنادر، فرودگاه‌ها و اردوگاه‌ها دست یافته‌اند. نیروهای آمریکایی همچنین به خدماتی نظیر سوخت و انبار سلاح در این پایگاه‌ها دست یافته‌اند که این مسأله انعطاف و آزادی گسترده آمریکا در تحرکات زمینی، دریایی و هوایی را به همراه دارد. ارزیابی‌های کارشناسان نظامی نشان می‌دهد که آمریکا بیش از ۳۰ هزار سرباز دائمی در پایگاه‌های نظامی خود در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دارد که اکثر آن‌ها در قطر، کویت و امارات مستقر هستند. با اینکه آمریکا اعلام کرده این پایگاه‌ها و نیروها به منظور دفاع از امنیت منابع انرژی جهان در خلیج فارس وارد شده‌اند، ولی تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که آمریکا به منظور حمایت از تمامیت ارضی و امنیت رژیم صهیونیستی (اسرائیل) با توجه به تهدیدهای به وجود آمده که تماماً این تهدیدها را از سمت ایران و برخی کشورهای حامی محور مقاومت مانند یمن ارزیابی می‌کند، دست به حضور گسترده خود در منطقه خاورمیانه زده است.

به هنگام صحبت از پایگاه‌های نظامی آمریکا در سطح کشورهای عضو شورای همکاری، قطر در صدر فهرست قرار می‌گیرد؛ کشوری که هم‌پیمان اصلی آمریکا خارج از ناتو است. حضور نظامی آمریکا در قطر به موجب توافق امنیتی میان دو کشور در سال ۱۹۹۲ آغاز شد و اکنون دوحه میزبان پایگاه العدید با حضور حدود ۱۳ هزار سرباز است. این پایگاه بزرگترین تأسیسات نظامی آمریکا در خاورمیانه و همچنین بزرگترین پایگاه هوایی آمریکا در خارج از کشور است. پایگاه العدید در سال ۲۰۰۲ و به موجب توافق رسمی میان دوحه و واشنگتن در اختیار ارتش آمریکا قرار گرفت و بزرگترین انبار استراتژیک تسلیحات آمریکا در خاورمیانه را شامل می‌شود. این پایگاه، بزرگترین

پایگاه میزبان نیروهای امریکایی در خاورمیانه است که طولانی‌ترین باند فرود در منطقه را دارد و در آن بیش از ۱۰۰ هواپیما حضور دارند. پس از قطر، کویت از لحاظ تعداد و کیفیت حضور نیروهای امریکایی در رتبه دوم در منطقه خلیج فارس قرار دارد. همکاری نظامی دو کشور به سال ۱۹۹۱ و امضای توافقنامه دفاعی میان دو کشور باز می‌گردد؛ بر اساس ارزیابی‌های وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۲۱، نزدیک به ۱۳ هزار سرباز امریکایی در کویت حضور دارند.

طبق گزارش‌ها ایالات متحده آمریکا همچنین حدود ۲۷۰۰ سرباز در عربستان سعودی دارد، اما عربستان پیش از سال ۲۰۰۳ میزبان نزدیک به ۱۰ هزار سرباز امریکایی بود. بر اساس اطلاعات موجود، نیروهای امریکایی در عربستان، در هیچ عملیات یا مأموریت رزمی به خصوص جنگ به رهبری ریاض علیه انصارالله در یمن از مارس ۲۰۱۵ شرکت نکردند. آمریکا در پایگاه هوایی الاسکان و پایگاه هوایی امیر سلطان حضور دارد.

اصلی‌ترین اهداف آمریکا برای حضور نظامی در خلیج فارس عبارت است از:

۱. هدف نخست به ویژه در صورت استقرار نیروهای مسلح بر روی کشتی‌های تجاری می‌تواند برآیند تصمیم آمریکا برای کنترل تدریجی تنگه هرمز در آینده باشد و گسیل نیروها و تجهیزات جنگی به این منطقه می‌تواند زمینه‌سازی برای حضوری مداوم و معطوف به هدف کنترل این تنگه و گرفتن این برگ راهبردی و فشار از ایران باشد؛
۲. هدف دوم هم به احتمال زیاد تلاش برای فرونشاندن خشم و نارضایتی عربستان سعودی و امارات متحده عربی به عنوان دو متحد راهبردی آمریکا در منطقه باشد؛ نارضایتی‌ای که امارات آن را عملاً با خروج از ائتلاف دریایی در ماه مه گذشته بروز داد، این متحدان آمریکا همواره آن را به بی‌توجهی به وضعیت منطقه و بی‌تفاوتی در مقابل اقدامات ایران و متحد یمنی در سال‌های اخیر متهم می‌کردند و در مقابل به صرافت تقویت مناسبات خود با قدرت‌های دیگری چون چین و روسیه افتادند؛
۳. هدف سوم هم که بسیاری از از صاحب نظران سیاسی ادعان داشتند، می‌تواند حرکت در جهت برآورد کردن شروط امنیتی ریاض در راستای مقدمات عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی (اسرائیل) در پی پذیرش پیمان صلح ابراهیم با کشورهای عربی باشد؛
۴. هدف چهارم می‌تواند عزم آمریکا برای سختگیری بیشتر در اجرای تحریم‌ها به ویژه در حوزه نفتی ایران باشد. به این معنا که با استقرار این نیروها و جلوگیری از اقدامات تلافی‌جویانه

ایران در خصوص تهدید به مین‌گذاری و بستن تنگه راهبردی هرمز در آن سو دست بازتری را برای توقیف نفتکش‌های ایران داشته باشد؛

۵. اما هدف پنجم تقویت حضور نظامی آمریکا هم می‌تواند در راستای همان پلان «بی» آمریکا و حرکت در جهت تشدید فشارها بر ایران به دنبال احیا نشدن برجام و همچنین گسترش همکاری‌های ایران، چین و روسیه باشد که به نوعی رقبای اقتصادی و نظامی برای ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شوند؛

۶. هدف دیگر آمریکا از حضور خود در خلیج فارس مقابله با توسعه و گسترش رادیکالیسم ایران در منطقه بود.



شکل ۱: حضور ناو هواپیمابر آمریکا کنار ناو اسکورت در خلیج فارس (منبع: www.entekhab.ir)

دیدگاه آمریکایی‌ها و دلیل علاقه آن‌ها برای حضور در خلیج فارس

ایالات متحده آمریکا در بیشتر مناطق جهان اهداف و منافع دارد که با توجه به اهمیت و میزان سطح آن تغییر می‌کند. منطقه خاورمیانه با محوریت خلیج فارس با توجه به داشتن موقعیت راهبردی که در بعد جهانی دارد، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، انرژی، امنیتی و نظامی کانون توجه بسیاری از قدرت‌های جهانی به ویژه ابر قدرت‌هایی مانند آمریکا، چین و روسیه را به خود بوده است؛ با پیروزی انقلاب ایران و سقوط نظام شاهنشاهی معادلات سیاسی در منطقه و توازن قوای آن به صورت فزاینده‌ای تغییر پیدا کرد. خروج کشور

انقلابی ایران از پیمان‌های گذشته و منعقد شده توسط رژیم قبلی، بحران گروگان گرفتن دیپلمات‌های آمریکایی، تهاجم نیروهای ارتش سرخ شوروی به افغانستان در کنار مطرح نمودن خطرات احتمالی ناشی از این اقدام علیه منافع و سیاست‌های کشورهای غربی در اهمیت بخشیدن منطقه تأثیرگذار بود.

الف) انرژی و اهداف اقتصادی

منابع انرژی به ویژه میعانات گازی و نفتی در جهان پایه گذار اجرای روابط اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس با سایر کشورهای جهان است. وجود منابع گسترده انرژی از جمله گاز و نفت در منطقه خاورمیانه مخصوصاً در ایران که رتبه دار ذخائر انرژی در جهان با داشتن رتبه دو گاز و چهار نفت است باعث آن شده در کنار سایر کشورهای عربی تولیدکننده نفت پیرامون خلیج بعد از اتمام جنگ جهانی نقش موثری را در ارتباطات اقتصادی عرصه بین‌المللی داشته است. ذخایر انرژی حوزه نفت در خاورمیانه چرخ صنایع پر اهمیتی را پس از انقلاب صنعتی در قاره اروپا و ژاپن تا آمریکا پویا و به گردش کار واداشته است. قاره اروپا و یا حتی کشورهای شرق آسیا مانند چین که جزو اقتصاد تراز اول جهانی می‌باشد با کمک خرید و دریافت منابع نفتی به ویژه منابع انرژی در منطقه توانسته‌اند از نظر پیشبرد صنعت و مسائل اقتصادی به این مرحله از رشد در سطح جهانی برسند. در ادامه این موضوع باید اشاره داشت که آمریکا به کمتر از سه و نیم درصد مصارف خود به صنعت و انرژی نفت خاورمیانه وابستگی دارد (Majid farid, 1986: 36).

تهدیداتی نیز برای دسترسی مطمئن قدرت‌های غربی به انرژی در خلیج فارس وجود دارد مانند:

- حمله مستقیم ارتش سرخ شوروی به میدین نفتی و گازی در خاورمیانه؛
- حمله به زیرساخت‌ها و پالایشگاه‌های نفتی کشورهای دارای منابع نفتی؛
- فروش سلاح و ادوات نظامی به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و کسب سود تجاری گسترده از این طریق؛

- وجود گروه‌های تروریستی، شورش یا انقلاب در کشورهای تولیدکننده نفت در خاورمیانه.

ب) منافع راهبردی و استراتژیکی

با استناد به نظریات برژینسکی ایالات متحده دو موقعیت خلیج فارس و شبه جزیره عربستان را سومین خط دفاعی استراتژیک که در معادلات نظامی دارای اهمیت هجومی، دفاعی و حیاتی است را به مطرح می‌کند. اهمیت این خط دفاعی بنا به دلایل ذیل بیان می‌شود:

- خط دفاعی اول که شامل ایالات متحده آمریکا می باشد؛
 - خط دفاعی دوم در قاره اروپا قرار دارد؛
 - خط دفاعی سوم منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان است.
- کارتر ریاست جمهوری وقت آمریکا آموزه های خود را در ارتباط با منطقه خلیج فارس اینگونه ارائه نمود و کنگره هم آن را به شکل ذیل مطرح کرد:
- تشکیل و آموزش نیروهای واکنش سریع برای ورود در زمان مواجهه منافع آمریکا با تهدیدات؛
 - ساخت پایگاه هوایی و دریایی در کشورهای عربی هم پیمان آمریکا در حاشیه خلیج فارس؛
 - استفاده از سیستم مخابرات و ارتباطی سریع به منظور آسان سازی واکنش و گسترده نیروهای نظامی آمریکا.

ج) منافع ژئوپلیتیکی و استراتژیکی

لیمن نویسنده و تحلیل گر سیاسی آمریکا بر این باور است که یک کشور دارای فعالیت و پویایی نمی تواند به یک کشور انزوا طلب تبدیل شود، کشوری که تلاش می کند نقشی جهانی داشته باشد، بایستی یک سیاست رابردی خارجی فراگیر و قابل حل داشته باشد و چنین سیاست خارجی فراگیر نخواهد شد مگر اینکه سعی کند موازنه‌ای بین تعدهای خارجی خود و قدرت کشور برای دستیابی به هدف مذکور برقرار سازد. یکی از علاقه‌مندی‌های مهم آمریکا در خاورمیانه، منافع ژئوپلیتیکی و سیاسی است. آمریکا برای حفظ و گسترش خواسته‌های خود ناچار به کارگیری روش‌ها و راه‌هایی از جمله گسترش روابط سیاسی نظامی خود با کشورهای منطقه می باشد (Speiser, 1950: 237). آمریکا به غیر از عراق تا قبل از سقوط حکومت صدام، توانسته بود با سایر کشورهای عربی خاورمیانه روابط سیاسی برقرار نماید. یکی از هدف‌های مهم چنین سیاستی عبارت از جلوگیری از توسعه قدرت و نفوذ اتحاد شوروی و مقابله با توسعه ایدئولوژی کمونیسم در میان کشورها و مردم ساکن در منطقه خاورمیانه بود؛ بنابراین یکی از اهداف مهم قدرتمند نمودن ایران در زمان شاه توسط آمریکا به این منظور بود که این کشور بتواند در برابر نفوذ اتحاد شوروی در منطقه مقاومت نکند.

حمایت و دفاع از امنیت کشورهای منطقه؛ بهانه آمریکا برای حضور در خاورمیانه

بحث درباره روند کمک‌های امنیتی نظامی آمریکا بدون منظور، هدف عمیق و منطقی بی‌معنی به نظر می‌رسد. علاوه بر این، بیان چنین موضوعی ضروری است؛ چراکه دنبال نمودن هدف‌های سیاسی از راه فروش تجهیزات نظامی و خدمات مربوط به آن آمریکا را از سایر کشورهای غربی در بخش جنگ افزار متفاوت می‌کند می‌سازد. بسته‌های حمایت نظامی آمریکا در منطقه به دلیل حمایت از اهداف راهبردی آن در خصوص شریکان خودش اجرایی می‌شوند. به عبارتی برنامه حمایت‌های امنیتی به منظور اهرم‌های سیاست خارجی امنیت ملی آمریکا برای شرکای خود محسوب می‌شوند. همانگونه که بدوآ کارتر اظهار داشت و بعد آن نیز ریگان در اول سپتامبر ۱۹۸۲ میلادی این جمله را بیان نمود که: اهداف ملی و استراتژیک ایالات متحده به صورت تجزیه‌ناپذیری با منافع ملی کشورهای متحد حوزه خلیج فارس متصل می‌باشند؛ بنابراین بر اساس دیدگاه رهبران آمریکا، در پیشبرد اهداف اصلی سیاست آن کشور بایستی حمایت از رهبران دوست و متحدان فعلی در منطقه در دستور کار باشد.

نقش آمریکا در شروع جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق با ایران

تحلیل مخالفان به نقش ایالات متحده آمریکا در آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

به طور کل، در باره نقش ایالات متحده آمریکا در آغاز جنگ تحمیلی دو تحلیل وجود دارد؛ دیدگاهی که نقشی برای دخالت و ورود آمریکا قائل نیست و حمله رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران را اقدامی مستقل ارزیابی می‌کند و دیدگاهی که بر نقش آمریکا در این جنگ صحه می‌گذارد. از نظر پژوهشگران قائل به دیدگاه نخست، تحلیل رویدادها و زمینه‌ها به همراه منابع جدید و برخی از مصاحبه‌ها حاکی است که دولت آمریکا نقش چندانی در تحریک صدام و کمک تسلیحاتی به آن نسبت به آغاز جنگ و آن اقدامات جنایتکارانه اش نداشته است. ولی برخی استلال‌های مطرح شده به این شرح می‌باشند: عراق پس از ژوئن ۱۹۶۷ یعنی جنگ شش روزه اعراب و رژیم صهیونیستی، تمامی روابط دیپلماتیک خود را با واشنگتن قطع و آمریکا را متهم کرد که در زمان جریان داشتن این جنگ پیشگیرانه علیه همسایگان عرب خود از رژیم صهیونیستی حمایت کرده است. همچنین آمریکا به‌طور تاریخی در عراق از حمایت چندانی برخوردار نبود و به دلیل حمایت‌های این کشور از ایران در جریان قضیه اروندرود، تا حدودی مورد ظن و تفرق قرار داشت. از نظر صدام، آمریکا

می‌خواست تمام رژیم‌های به تعبیر او (مترقی) جهان عرب مانند رژیم عراق را از بین برده و نابود کند تا نظام‌های اسلامی را که برای مقاومت در برابر دست‌اندازی‌ها و براندازی‌های کمونیستی مناسب‌تر بودند، جایگزین سازد. صدام عمیقاً به سیاستمداران آمریکایی مشکوک بود و هیچ ارتباط مستقیمی با آن‌ها نداشت. تنها واسطه‌های او ملک حسین و ملک خالد، پادشاهان اردن و عربستان سعودی بودند. گاه هر دوی آن‌ها نیز در ارتباط نزدیک با دولت آمریکا قرار داشتند و از همین رو صدام چندان به آنان هم اعتماد زیادی نداشت (Razoux, 2015). در مورد سفر صدام به عربستان سعودی نیز گرچه اصل این سفر در دست است، اما گفته می‌شود هیچ نشانه‌ای دال بر نقش آمریکا و جیمی کارتر در ترتیب‌دادن این ملاقات وجود نداشت. صدام خود به صورت مستقل تصمیم به چنین سفری گرفت تا برنامه‌هایش را برای حمله به ایران به اطلاع پادشاه عربستان سعودی برساند و همچنین از کمک‌های مالی این کشور بهره‌مند شود. براساس اسناد منتشر شده، پادشاه سعودی ملاحظات خود را در مورد جنگ با رئیس‌جمهوری عراق در میان گذاشت (Samuel, 2021).

یکی از نگرانی‌های اصلی ملک خالد این بود که رویارویی عراق با ایران تنها به مرزهای دو کشور محدود نماند و به بی‌ثبات کردن تمامی شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس و اخلال در جریان صدور نفت و انرژی در منطقه منجر شود. او در این ملاقات، همچنین به ضعف ارتش عربستان سعودی در رویارویی مستقیم با ایران و خطر دخالت نظامی شوروی در منطقه تأکید کرده بود که نتایج آن، هم برای کشورهای خلیج و هم برای آمریکا فاجعه بار خواهد بود. به طور کلی، پادشاه سعودی بیشترین تأکید را به جلب توجه صدام حسین به خطراتی داشت که جنگ بزرگ بین ایران و عراق برای کل صنعت نفت، منبع اصلی درآمد پادشاهی‌هایی که صدام از آن‌ها درخواست کمک می‌کرد، در پی می‌داشت. پادشاه سعودی که نتوانست نظر صدام را در مورد عدم ورود به جنگ تغییر دهد، موافقت نسبی و ضمنی خود را نشان داد؛ به شرطی که ارتش عراق از حمله به صنایع نفتی ایران خودداری کند تا از ایجاد چرخه تلافی‌جویانه ایران در منطقه جلوگیری نماید (Sick and Potter, 2003).

تحلیل موافقان به نقش ایالات متحده آمریکا در آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

روایت دیگری نیز از نقش‌آفرینی آمریکا در آغاز حمله رژیم بعث عراق به ایران وجود دارد و به آن معتقدند که واکنش با سکوت خود، رضایت ضمنی و چراغ سبز به رژیم بعث عراق داد تا مرزهای سرزمینی ایران را مورد تجاوز قرار دهند و از این رهگذر، آمریکا بتواند برخی از منافع اقتصادی، سیاسی

و نظامی خود را بازیابی کرده و از تبعات اجتماعی و فرهنگی انقلاب اسلامی در سایر کشورهای منطقه جلوگیری کند (بیگلری و عراقی، ۱۳۹۳). با عدم حصول موفقیت در حل ماجرای تسخیر لانه جاسوسی (سفارت آمریکا)، در فروردین ۱۳۵۹ دولت کارتر قطع روابط دیپلماتیک بین ایران و ایالات متحده آمریکا را رسماً اعلام کرد و در اردیبهشت ۱۳۵۹ عملیات نظامی آمریکا در طیس مفت‌ضحانه شکست خورد. شکست در این عملیات، دور جدیدی از اقدامات را در دستور کار بلوک غرب به رهبری آمریکا برای تضعیف نظام اسلامی برآمده از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ قرار داد (Razoux, 2015).

استلال دیگر تحلیل‌گران به حمایت آمریکا از حمله عراق به ایران، نسبت مستقیمی با شکل مناسبات در دو کشور دارد. به طور تاریخی، عراق به رغم برخی از تمایل‌های دوره‌ای خود، هیچگاه نتوانست خود را به سطح متحد راهبردی آمریکا در منطقه خلیج فارس برساند؛ حال آن که کشورهای نظیر ایران و عربستان سعودی همواره برای آمریکا از جایگاه بالاتری برخوردار بودند؛ با این حال، روابط دو کشور عراق و آمریکا در تمامی سال‌ها ادامه یافت و آمریکا نشان داده بود که برای تأمین منافع خود به مرزبندی‌های رسمی دیپلماتیک چندان ارزشی قائل نیست. این مسئله در طرف عراقی نیز به طور مکرر دیده می‌شد؛ در صورتی که در میانه جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی، مقامات عراقی از آمریکا درخواست کردند تا به نوعی مقدمات خروج آن‌ها را از درگیری‌ها فراهم آورد (Boutz and Williams, 2015).

تشویق کشورهای مختلف به حمایت همه‌جانبه از صدام یکی از اهرم‌های اصلی حمایت آمریکا از عراق در جنگ تحمیلی بود. حمایت‌های نظامی و مالی از عراق، صادرات نفت بیش از نیاز، اجازه استفاده مکرر ارتش عراق از جزیره بویان که در سرزمین کویت قرار داشت ولی دولت این کشور به رسم خوش‌خدمتی به صدام آن را به منظور انجام تمرینات نظامی نیروهای عراقی در اختیار رژیم بعث عراق قرار داده بود. حمایت از طریق کشتی‌ها و بنادر و نقض بیطرفی از جمله اقدامات کویت بود که به نفع رژیم بعث عراق و با چراغ سبز آمریکا صورت گرفت (زارع، ۱۳۹۵). در این میان، آمریکا با وارد نمودن ناوگان دریایی خود به منطقه خلیج فارس و تغییر پرچم نفتکش‌های کویتی به پرچم خودش، از حملات جمهوری اسلامی ایران جلوگیری نمود و از کویت در انجام قاچاق تجهیزات جنگی به رژیم بعث عراق به طور کلی نقض کردن قواعد بی‌طرفی حمایت نمود. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی بر این باورند که تصمیم آمریکا مبنی بر تغییر پرچم نفتکش‌های کویتی با پرچم خود، نمایانگر تمایل غیررسمی ایالات متحده آمریکا به سوی عراق به منظور پیشبرد جنگ به نفع آن بود (انصاری و یزدان فام، ۱۳۸۷).

کمک‌های اطلاعاتی و ماهواره‌ای آمریکا به عراق در جهت پیشبرد جنگ به نفع خود

در دهه ۸۰ میلادی همزمان با شروع جنگ تحمیلی عراق با ایران، رونالد ریگان رئیس‌جمهور وقت و جمهوری‌خواه آمریکا مستقیم به رئیس‌سازمان سیا در آن سال‌ها دستور می‌دهد که به منظور جلوگیری از شکست رژیم عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران، بایستی این سازمان تمامی نقاط ضعف و تصاویر به روز شده از صنایع حیاتی و تأسیسات زیرساختی ایران را در اختیار عراق قرار دهند تا با آمادگی و شناخت کامل تری به آن‌ها حمله کنند و موجبات ضربه زدن به یکپارچگی ایران را رقم بزنند.

بر اساس اسناد تازه افشا شده سازمان CIA، دولت آمریکا با در اختیار قرار دادن اطلاعات محرمانه به صدام او را به‌طور گسترده در حملات شیمیایی یاری کرده است. به دنبال اینکه ایران توانست حفره‌ای در خطوط دفاعی عراق پیدا کند که با استفاده از آن بتواند بصره را فتح کند و احتمال سقوط ارتش عراق وجود داشت، ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا در پاسخ به گزارش سیا نوشت: پیروزی ایران غیرقابل قبول است. آمریکا تصاویر ماهواره‌ای دقیق از تحرکات نیروهای ایرانی را به ارتش عراق ارائه کرد. طبق اسناد اطلاعات ارائه شده به قدری دقیق بود که به‌عنوان بسته‌های هدف‌گیری یاد می‌شد. آمریکا چگونگی استفاده از سلاح‌های شیمیایی را هم به عراق آموزش داد. در یکی از گزارش‌های سیا آمده است: «اگر عراقی‌ها مقادیر زیادی گاز خردل تولید کنند به قطع از آن علیه ایران استفاده می‌کنند». با بیان این موارد به این نکته می‌رسیم که آمریکا که ادعای مخالف‌بودن با تولید و استفاده سلاح‌های کشتار جمعی توسط سایر کشورها دارد، خود چگونه در تشویق و کمک نمودن به عراق در جهت دستیابی به این سلاح‌ها تلاش کرده است.

اهداف و منافع راهبرد نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا

بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا از سیاست انزوایی خارج شد و سیاست مداخلات در سیاست خارجه سایر کشورها را در کنار حمایت همه جانبه از اسرائیل در پیش گرفت که ائتلاف آمریکا در قبال این منطقه را شکل داده است. همزمان با وقوع انقلاب اسلامی ایران، آمریکا نیز تاکتیک‌هایی همچون ایجاد پایگاه نظامی، حضور مستقیم، امضای قراردادهای و موافقتنامه‌های امنیتی با متحدان و دوستان خود در منطقه را در پیش گرفت و سپس با حمله نظامی مستقیم به افغانستان و

عراق، تلاش کرد تا نظم منطقه را مطابق با خواست و منافع خود و در راستای توسعه هژمونی آمریکا رقم بزند. البته در این مسیر، جابه‌جا شدن قدرت بین احزاب دموکرات و جمهوری خواه و گرایش سیاسی رؤسای جمهور حاکم بر آمریکا، یکی از عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر شیوه و نوع برخورد این کشور با منطقه غرب آسیا بوده است (مظاهری، ۱۴۰۱).

حضور آمریکا و حفظ امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه

حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی از زمان پایان جنگ جهانی دوم یک متغیر ثابت و تغییرناپذیر در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بوده است. امنیت رژیم صهیونیستی، پایدارترین هدفی است که دچار عدم قطعیت نیست و مقامات آمریکا، رژیم صهیونیستی را شریک راهبردی و به نوعی پایگاه آمریکا در منطقه می‌دانند. به عبارت دیگر، رژیم صهیونیستی خط مقدم نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا است (فتحی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۹). بر این اساس باید اینگونه تفسیر کرد مادامی که رژیم صهیونیستی در منطقه حضور دارد و حفظ موجودیت و نیز افزایش قدرت این رژیم یکی از دغدغه‌های اصلی آمریکایی‌ها است، حضور نیروهای آمریکایی در منطقه و حمایت‌های نظامی‌شان از کشورهای هم‌پیمان غیرقابل انکار است (کیومرث یزدان‌پناه درو و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹).

مروری بر درگیری‌های نظامی میان آمریکا و ایران

اولین حمله نظامی آمریکا در خاک ایران (حمله به طبس)

عملیات پنجه عقاب که در ایران به عملیات طبس معروف است، نام عملیاتی نظامی بود که توسط نیروی دلتای نیروی زمینی ایالات متحده در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ برای آزاد نمودن آمریکایی‌های گروگان گرفته‌شده در سفارت آمریکا در تهران انجام گرفت. این عملیات، نخستین تجربه عملیاتی نیروی دلتا اولین تقابل نظامی مستقیم میان آمریکا و ایران بود. در پی ناکامی‌های دولت آمریکا در اعمال نمودن آزادی گروگان‌ها در عمق خاک ایران و پایتخت آن تهران را صادر نمود. طی این عملیات ۶ هواپیما و ۸ بالگرد آمریکایی برای آزادی ۵۳ گروگان آمریکایی در شهر تهران وارد حریم هوایی ایران می‌شوند و با وجود پرسنل نفوذی در رادارهای مرزی گزارش ورود این هواپیماهای ناشناس امحا و به مقامات اجرایی گزارش نشد، تا آن‌ها آسوده وارد خاک ایران شوند.

عملیات، شامل طرحی پیچیده بود و در دو شب اجرا می‌شد. در شب اول، قرار بود هواپیماها از ۱۰۰ کیلومتری غرب چابهار وارد حریم هوایی ایران شده و از مسیر دشت لوت به منطقه «صحرای ۱» (۳۳°۲۳' شمالی ۵۳°۵۳' شرقی) بروند. «صحرای ۱» نامی بود که آمریکایی‌ها برای نقطه فرود هواپیماهایشان در ۶۰ کیلومتر جنوب غربی شهر طبس انتخاب کرده بودند. آن‌ها باید در ابتدا «صحرای ۱» را امن می‌کردند و سپس نزدیک به ۶۰۰۰ گالون سوخت هواپیما که توسط ۳ فروند هواپیماهای ئی‌سی-۱۳۰ نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا به محل حمل آورده می‌شد را در آنجا نگه‌داری کنند. سه هواپیمای لاکهید ئی‌سی-۱۳۰ (با رمز: ریپابلیک ۴، ۵ و ۶) مسئولیت حمل تجهیزات عملیات را به محل «صحرای ۱» برعهده داشتند. همچنین سه هواپیمای لاکهید ام‌سی-۱۳۰ (با رمز: دراگن ۱، ۲ و ۳) مسئولیت حمل نیروهای دلتا را به این منطقه داشتند. این سه هواپیما، در مجموع حامل ۱۳۲ تکاور و نیروی دلتا بودند؛ طی این عملیات ۶ هواپیما و ۸ بالگرد آمریکایی برای آزادی ۵۳ گروگان آمریکایی در تهران وارد حریم هوایی ایران می‌شوند، در حین این عملیات ۳ بالگرد دچار نقص فنی شده و در نهایت عملیات با کشته شدن ۸ نفر به علت وقوع طوفان شن در منطقه طبس و برخورد یک هواپیمای ترابری افشا می‌شود.



شکل ۲: هواپیما و بالگردهای منهدم شده آمریکا در طبس (منبع: خبرگزاری مهر)

رویارویی مستقیم آمریکا و ایران در خلیج فارس

عملیات کمانگیر چابک، این عملیات بزرگ‌ترین درگیری دریایی آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم به بعد بود که در برابر ایران انجام داد. ۲۹ فروردین سال ۱۳۶۷ نیروهای نظامی آمریکا با چند گروه سطحی نبرد را آغاز کردند. ابتدای کار هجوم به دو سکوی نفتی ایران بود. عملیات با دو گروه سطحی و هماهنگی نیروی هوایی آمریکا از ناو هواپیمابر یواس‌اس انترپرایز ایالات متحده آمریکا

آغاز شد. گروهی به همراه دو ناوشکن و یک کشتی تدارکاتی به یک سکو در میدان نفتی سلمان هجوم بردند. گروه دیگر هم که یک ناوشک‌انداز و دو ناوچه بودند به سکویی در میدان نفتی ساسان حمله کردند؛ تفنگداران دریایی آمریکا از شاخه واکنش سریع به سکوی نفتی ساسان حمله کرده و اقدام به جمع‌آوری اسناد و کار گذاشتن مواد منفجره به منظور از کار انداختن این سکو کردند. نیروهای ایران هم با اعزام قایق‌های تندرو باگ‌هامار و حمله به چند هدف متفاوت، یک کشتی تدارکاتی با پرچم آمریکا و کشتی دیگری با پرچم پاناما در خلیج فارس به این حمله پاسخ دادند. سپس هواپیماهای آ-۱۶ آمریکا با راهنمایی ناوچه‌های آمریکایی به سوی قایق‌های تندرو رفتند. هواپیماها چند بمب خوشه‌ای راک‌آی به سمت قایق‌های تندرو پرتاب نموده و یکی از قایق‌ها را غرق کرده و به چند قایق دیگر آسیب رساندند که قایق‌ها پس از خسارت دیدن برای تجدید قوا و تعمیر به سمت جزیره ابوموسی حرکت کردند در اثر (سقوط هلی‌کوپتر) کشته شدند، این عملیات تقریباً نیروی دریایی ایران را که از سال‌ها قبل مهم‌ترین یگان نظامی دریایی در خاورمیانه، خلیج فارس و دریای عمان بود در طول چند ساعت از بین برد. دو ناوچه سهند (IIS Faramarz) و سبلان (IIS Rostam) که از مهم‌ترین دارایی‌های نیروی دریایی ایران بودند در کنار ناوشک‌انداز جوشن در این عملیات از بین رفتند. ناوشک‌انداز سبلان البته بعداً تعمیر شد.

به گفته بسیاری از کارشناسان سیاسی و نظامی این عملیات به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی ایران نامبرده می‌شود.



شکل ۳: نقشه محدوده عملیات (منبع: سیاست نیوز)

پس از انجام عملیات واحدهای ناوگان آمریکا خسارات زیادی به نیروی دریایی ایران و تجهیزات شنودی و مخابراتی نصب شده بر دو سکوی نفتی ایرانی وارد نمودند. باید افزود که ناو سیلان در سال ۱۳۶۷ تعمیر شد همچنین سکوهای نفتی هم تعمیر شده و در حال فعالیت می باشند.

انهدام و سرنگونی پرواز شماره ۶۵۵

در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ هواپیمای مسافربری ایرباس شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایران ایر با شناسه IR655 که از مبدا تهران به مقصد دوی در حال پرواز بود، بعد از وارد شدن بر روی آب های خلیج فارس تو سطر ناو جنگی وینسنس با بیان اینکه هواپیمای جنگی است و به اسم خطای انسانی هدف دو موشک قرار گرفت و سقوط کرد که بر اثر آن تمامی سرنشینان آن که شامل کودکان هم بود به شهادت رسیدند، این تنش در واقع زمانی رخ داد که در مقطعی از جنگ ایران و عراق، این دو کشور دست به حمله علیه کشتی‌های نفت کشر و کشتی‌های تجاری یکدیگر زدند که به جنگ نفت‌کش‌ها نیز معروف شد. در سال ۱۹۸۴ جنگ ایران و رژیم بعث عراق وارد مرحله جدیدی شد و دو کشور حمله به نفت کشرهای

یکدیگر را شدت دادند. این حملات شامل حمله به کشتی‌های کشتی‌های کشتی‌های هم‌سایه نیز که با انتقال نفت عراق عملاً به این کشور کمک می‌کردند می‌شد. حادثه پرواز ۶۵۵ ایران ایر یک سال پس از حمله یک جنگنده عراقی به ناوچه موشک‌انداز آمریکایی بنام یواس اس استارک توسط نیروی هوایی عراق در ۱۷ می ۱۹۸۷ که به کشته شدن ۳۷ ملوان آمریکایی این ناوچه انجامید اتفاق افتاد. همچنین نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در اواخر ۱۹۸۷ به تبادل آتش با نیروهای ایرانی پرداخته بودند و ناو ساموئل بی. رابرتز نیروی دریایی آمریکا در اثر برخورد با یک مین دریایی ایرانی در آوریل ۱۹۸۸ آسیب دیده بود که همین موضوع باعث رویارویی مستقیم میان آمریکا و ایران شده بود که چند ماه قبل از این حادثه رخ داده بود، و بهانه آمریکایی‌ها هم این بود که در رادار ناو وینسس با خطای انسانی مواجه بوده و ایرباس مسافری را با میگ و یا فانتوم جنگی اشتباه گرفته به همین منظور موشک‌ها را شلیک کرده به دلیل موفقیت در انجام این حمله فرمانده ناو وینسس ویلیام راجرز در هنگام برگشت از ماموریت خود به آمریکا مورد استقبال گرم قرار گرفت و به سبب این جنایت مدال شجاعت دریافت نمود؛ به موجب این حمله به هوایمای مسافربری ایرانی دولت آمریکا مبلغ ۸/۱۳۱ میلیون دلار در توافقی به دولت ایران پرداخت کرد که شامل ۸/۶۱ میلیون دلار برای بازماندگان ۲۴۸ نفر ایرانی به شهادت رسیده در این حادثه بوده است.

مروری بر قطعنامه ۵۹۸ و دلایل پذیرش آن از طرف ایران

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در ۲۹ تیر ۱۳۶۶، برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق صادر شد. این قطعنامه برخلاف قطعنامه‌های قبلی ذیل فصل هفت منشور ملل متحد (اصول ۳۹ و ۴۰) صادر شد یعنی موجب تحریم اقتصادی یا حمله نظامی قدرت‌های جهانی علیه کشور متخلف می‌شد. متن آن با قطعنامه‌های قبلی تفاوت داشت. موضوع «مسئولیت منازعه» برای اولین بار در آن مطرح شده بود که همان «تعیین متجاوز» مورد نظر ایران بود. البته قطعنامه تمام خواست‌های ایران را تأمین نمی‌کرد زیرا ایران اصرار داشت اول متجاوز تعیین شود و بعد قطعنامه را بپذیرد در حالی که شورای امنیت این شرط را قبول نداشت (تعیین حمله‌کننده نهایتاً بعد از جنگ کویت و در شرایطی صورت گرفت که عراق حمایت غرب را از دست داده بود و در نهایت شورای امنیت سازمان ملل عراق را به عنوان شروع‌کننده جنگ با ایران معرفی نمود). قطعنامه دو روز بعد از سوی عراق پذیرفته

شد، ولی حدود یکسال بعد در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ با این که امام خمینی^(ره) با پذیرش آن موافق نبود، ولی با وساطت مسئولین ارشد لشگری و کشوری از سوی ایران پذیرفته شد.

تأثیر شرایط اقتصادی بر پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران

راهکار دیپلماسی اقتصادی هیچ زمانی پیروزی کامل را نصیب یکی از طرفین جنگ نمی دهد در نتیجه طرف مقابل هم از شکست کامل رنجی نمی برد. در روزهای پایانی جنگ تحمیلی زمانی که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته شد، دیپلماسی اقتصادی ایران موردی موفق ارزیابی شده بود. پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران به عنوان ایده ای استراتژیک بیان می شود و به منظور جلوگیری از برخورد و هدف گرفتن پالایشگاه ها توسط پرتابه هایی که از سمت جنگنده های عراقی قرار می گرفتند؛ می توان اینگونه بیان داشت که مهم ترین عواملی که باعث پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران شد فشارهای دولت جمهوری خواه ریگان در آمریکا و نفوذ گسترده ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. همچنین دولت آمریکا با تهدید به حمایت از طرف مقابل یعنی عراق و انجام تحریم های اقتصادی و نظامی ایران به منظور عدم فروش نفت ایران در بازارهای جهانی و تحریم تسلیحاتی آن اهرم فشاری بر اجبار نمودن ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اعمال کرد.

دیگر دلایل پذیرش کامل قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مصلحت امنیت ملی و ثبات در نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- شرایط جدید در خاورمیانه و حضور گسترده نیروهای ائتلاف و آمریکا در خلیج فارس؛
- نهایه شدن طرح تحریم تسلیحاتی و اقتصادی ایران به عنوان طرفی که قطعنامه را نپذیرفته؛
- استفاده گسترده سلاح های شیمیایی توسط عراق و بی توجهی جوامع بین المللی در این مورد؛
- وجود داشتن برخی نکات و عناصر مثبت در قطعنامه ۵۹۸؛
- حمله نظامی آمریکا به نیروی دریایی ایران و سکوهای نفتی؛
- نیاز به بازسازی زیرساخت ها، منازل و جذب سرمایه گذاری؛
- ایجاد شکوفایی اقتصادی و اقتدار سیاسی در جهان؛
- شرایط نامناسب بین المللی به نحوی که عراق با پذیرفتن تمامی قطعنامه های شورای امنیت فریاد صلح سر می داد و در عرصه بین الملل ایران را جنگ طلب معرفی می نمود.

ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان با پشتوانه انقلاب اسلامی در گام دوم
نماد پُرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، هبستگی ملت ایران با انقلاب اسلامی مقابل استکبار

بعد از انتخابات سال ۲۰۲۴ در آمریکا و روی کار آمدن دونالد ترامپ به عنوان رییس جمهور آمریکا از حزب جمهوری خواه، ایالات متحده آمریکا از همان ابتدا موضع استکباری خود را نسبت به جمهوری اسلامی ایران اعمال نمود هر چند او ابتدا از انجام مذاکرات هسته‌ای با ایران تمایل نشان داد ولی در پشت پرده به یکباره و درست زمانی که مذاکرات در حال انجام بود، در ۲۳ خرداد رژیم صهیونیستی با چراغ سبز آمریکا با بهانه صلح آمیز نبودن برنامه هسته‌ای، به جمهوری اسلامی ایران حمله نمود و باعث به شهادت رسیدن تعدادی از فرماندهان نظامی، دانشمندان هسته‌ای و شهروندان شد؛ در ادامه این حملات با وجود اینکه وزیر امور خارجه ایران با کشورهای غربی در حال گفتگو بود و ترامپ هم بیان داشت که با طرف ایرانی مذاکره می‌کند، در ۱ تیر ۱۴۰۴ و به دستور شخص دونالد ترامپ آمریکا به ایران حمله کرد و سه مجموعه از تأسیسات هسته‌ای ایران از جمله تأسیسات هسته‌ای فردو، نظنز و تأسیسات اتمی اصفهان بمباران شد؛ که این موضوع در استمرار مداخلات آشکار آمریکا در امور داخلی، امنیتی جمهوری اسلامی ایران بود ولی در این میان همبستگی ملت ایران در یک جبهه بر ضد استکبار جهانی با محوریت آمریکا و رژیم صهیونیستی ایستادگی کرده و به هم کمک نمودند تا همان گونه که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز به آن اشارات جامعی شده است.

اقتدار انقلاب اسلامی و شکست مستکبران جهان

امروزه نیز مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبورکرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

پیامدهای تاثیرگذار دستاوردهای خارجی و منطقه‌ای استکبار ستیزی

حمایت و پشتیبانی از مستضعفین جهان و جنبش‌های رهایی‌بخش در راستای رسالت‌ها و رهنمودهای استکبار ستیزانه انقلاب اسلامی ایران است. این اصل در واقع مصداق عینی حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم است؛ به عبارت دیگر، شیوه‌های استکبار ستیزی دوگانه است: نخست، مبارزه با مستکبران و سلطه‌گرانی که مهمترین عامل همبستگی ملت‌ها، دوم، حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف مانند فلسطین از یک طرف و خشونت ساختاری نظام سلطه از طرف دیگر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با نگارش پژوهش فوق، به این نتیجه می‌رسیم که یکی از برجسته‌ترین مسائل در روابط بین‌الملل طی چند دهه اخیر، تقابل میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران بوده است. این تقابل که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام آغاز شد،

به دلایل متعددی از جمله زیاده‌خواهی و امپریالیست بودن طرف آمریکایی، تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک-ارزشی، نگرش به جهان چه در ابتدای پیروزی انقلاب و حتی زمان جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران بلکه در طول چهل سال پس از آن هم شدیدتر و خصمانه‌تر گردیده است و هر دو طرف تفاهمی با یکدیگر انجام نمی‌دهند. در واقع ایالات متحده آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی همواره سعی نموده قدرت و هژمونی خود را در جهان به خصوص در منطقه خاورمیانه که اصلی‌ترین مرکز صادرات انرژی در جهان است، بیشتر کند و در سمت مقابل جمهوری اسلامی ایران که در زمان جنگ تحمیلی مورد حمله مستقیم آمریکا و تحریم‌های گسترده اقتصادی و تسلیحاتی از طرف کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا بود و به نوعی با اندک داشته‌ها به تقابل با رژیم بعث عراق کاملاً مسلح رفته بود، در حال حاضر تبدیل به یکی از قدرت‌های برتر منطقه شده است و به نوعی چالش‌هایی را برای آمریکا در منطقه به وجود آورده است. حتی به اذعان تحلیلگران سیاسی در کنار مشاوره‌های مقامات داخل جمهوری اسلامی ایران یکی از اهرم‌های فشار در خصوص پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سمت ایران، آمریکا بود که با حملات قبلی خود به میدان‌های نفتی و نیروی دریایی ارتش ایران و تهدید به اجرای تحریم ایران را مجبور به پذیرش قطعنامه کرد. می‌توان دلایل حضور گسترده آمریکا در منطقه را به موارد زیر بیان نمود:

- ایالات متحده آمریکا در تمامی مراحل جنگ تحمیلی عراق با ایران به عنوان یک کشور مداخله گر و با زیر با گذاشتن موضع بی طرفی به صورت علنی انجام کار می نمود؛ هرچند می‌توان گفت شروع جنگ غیر قابل انکار ولی به صورت غیر مستقیم بوده به نوعی که در ادامه این جنگ، استمرار و پایان آن نقشی مستقیم داشته است؛ بنابراین، به رغم بعضی از مخفی‌کاری‌های ابتدایی، به محض تحرکات ارتش ایران در جهت گسترش موضع و عمق راهبردی خود در کشور بعث عراق، آمریکا با تمام توان اطلاعاتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی خود وارد شد عرصع شد و تلاش نمود تا به جمهوری اسلامی ایران ضرباتی را وارد نمایند؛
- جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نشان داد که آمریکا در جهات حفظ و استمرار منافع خود در منطقه خلیج فارس، دوستان و دشمنان دائمی ندارد؛ به طوری که با اتخاذ نوعی دیپلماسی مبتنی بر نسبی‌گرایی و پویایی می‌تواند به‌طور

- همزمان هم رژیم بعث عراق را که متحد شوروی بود در زمره کشورهای حامی تروریسم قرار دهد و هم متحدان خود را به حمایت از آن وادار یا تشویق نماید؛
- اولویت اقتصاد بر سیاست در رویکرد آمریکا نسبت به منطقه خلیج فارس در جریان جنگ تحمیلی نمودی برجسته و پررنگ داشت؛ به طوریکه به رغم نبود روابط سیاسی رسمی این کشور با رژیم بعث عراق، روابط اقتصادی همواره جاری بوده و ارقام مناسبات اقتصادی میان این دو نشان دهنده توجه آمریکا در تأمین منافع اقتصادی خود به رغم رویکرد سیاسی کشور مقابل می‌باشد. به نظر می‌رسد در رابطه با انقلاب اسلامی ایران نیز آمریکا در ابتدا به دنبال همین رویکرد بود و تضامین تأمین منابع انرژی و استمرار جریان آن به کشورهای غربی به رغم نبود روابط سیاسی را به عنوان یکی از راهبردهای خود مدنظر داشت؛
 - توجه به اتفاق نظر بلوک شرق و غرب در جهت ضربه به انقلاب اسلامی ایران بود و دو کشور آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی با حمایت‌های خود تلاش کردند نظم دوقطبی جهانی در اثر انقلاب اسلامی و گسترش ایدئولوژی هویت بخش اسلام انقلابی به خطر نیفتد؛ امری که در پایان جنگ نیاز خود را نشان داد و در جلسه سران دو ابرقدرت بر پایان جنگ تأکید شد؛ چراکه دو طرف به این باور رسیده بودند که در جبهه نظامی امکان حذف و یا تضعیف این ایدئولوژی وجود ندارد و باید بر محورهای تبلیغاتی موثر دیگری متمرکز شد.
- با توجه به پژوهش فوق و استمرار وضعیت تاریخی خصمانه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، سیستم‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیر جمهوری اسلامی ایران باید به ترسیم راهبردهای ترکیبی متناسب و پویا در محورهای چندگانه دفاعی-امنیتی، سیاسی و اقتصادی اقدام موثر و راهبردی نمایند همان گونه که د بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به آن اشاره شده است روحیه ضد استکباری ملت ایران همواره برگ برنده‌ای در مقابل مزدوران و دشمنان خارجی بوده و همین امر موجب آن می‌شود که با اقتداری کامل در منطقه خاورمیانه و یا حتی جهان حضوری موثر و تاثیر گذار داشته باشیم.

فهرست منابع

- بیگلری، محمد و عراقی، عبدالله (۱۳۹۳). بررسی نقش آمریکا در شروع و تداوم جنگ عراق علیه ایران و راه‌های اجتناب از غافلگیری، مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۳(۷۷)، ۱۸۲-۱۵۷.
- پور شاسب، عبدالعلی؛ متقی، ابراهیم و اسدی، توحید (۱۴۰۲). نقش ایالات متحده آمریکا در شروع، تداوم و پایان جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، مطالعات دفاع مقدس، ۹(۳۳)، ۹-۳۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳). چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ از دولت بازرگان تا دولت روحانی، تهران، نشر مخاطب.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۴). جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم، سیاست خارجی، ۲۹(۱۱۳)، ۷-۵۲.
- ذولفقاری، مهدی و احمدی‌نژاد، حمید (۱۴۰۲). استراتژی چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، ۱(۴)، ۱۰-۳۴.
- رادمهر، محسن؛ علی‌پور، عباس و سعادت، حسن (۱۴۰۱). بررسی زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مطالعات دفاع مقدس، ۸(۳۲)، ۷۰-۴۵.
- رکابیان، رشید؛ خندان، سیروس و طهماسبی، سمیرا (۱۴۰۰). بررسی نقش دیپلماسی اقتصادی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۶)، ۱۸۵-۱۶۳.
- سلیمانی، شاهرخ (۱۳۹۷). اقدامات و نتایج عملیات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مقابله با مداخلات عراق و نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، تهران، انتشارات دافوس.
- صبحاحی، مجتبی؛ محمدی، داود و جعفری‌فر، احسان (۱۴۰۱). بررسی مبانی فکری راهبرد دفاعی از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲۹)، ۱۶۷-۱۹۱.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۶۸). جغرافیای نظامی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- غفوری، اکبر و عزیزی، سیدعلیرضا (۱۳۹۹). بررسی نقش آمریکا در جنگ ایران و عراق با تأکید بر نظریه موازنه قوا، یزد: خط شکنان (وابسته به اداره کل حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس استان یزد).
- غلامپور، مجید؛ زارعی، غفار و حقیقی، علی محمد (۱۴۰۰). فرهنگ راهبردی ایرانیان و محدودیت‌های دیپلماسی قهری و آشننگتن علیه تهران، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳(۴۸)، ۷۰-۵۷.
- نوروزی، محمدجواد (۱۴۰۰). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- وثوقی، رضا (۱۴۰۲). علل ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس، مطالعات دفاع مقدس، ۹(۳۴)، ۱۷۱-۱۹۲.

یزدان پناه درو، کیومرث، زارعی، بهادر و رحیمی، رضا (۱۳۹۷). بررسی عوامل ژئوپلیتیکی تمایل آمریکا به شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در خلیج فارس و آثار آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک، ۱۴(۲)، ۸۳-۱۰۸.

- Askari Rizvi, H. (2002). "Pakistan's Strategic Culture", In: South Asia in 2020: Future Strategic Balances and Alliances (PP.305-328). Strategic Studies Institute: U.S. Army War College.
- Bazoobandi, S. (2015). "Sanctions Against Iran: Winners and Losers", In: EU sanctions as security policy tools (PP.57-65). Paris: European Union Institute for Security Studies.
- Coats D, R. (2019). "Worldwide Threat Assessment", office of director of national intelligence, At: <https://www.intelligence.gov/annual-threat-assessm>
- Duerfeldt, A. (2018). "Gold Star Negotiations: ZOPA", In: CropWatch. Available at: <https://cropwatch.unl.edu/2018/gold-star-negotiations-zopa> (Accessed on: 16 November 2023).
- Duncombe, C. (2019). Representation, recognition and respect in world politics: the case of Iran-US relations. Manchester: Manchester University Press.
- Macrotrends (2023). Iran Economic Growth 1960-2023. Available at: <https://www.macrotrends.net/countries/IRN/iran/economic-growth-rate> (Accessed on: 16 November 2023).
- Siraj, U.; Bakare, N. (2022). "Iran-USA Relations: From Exceptionalism to Containment Policy", Journal of Asian Security and International Affairs, 9 (1), PP. 99-121.
- Song, S. (2015). "American Exceptionalism at a Crossroads", The Korean Journal of International Studies, (13), PP. 239-262.